

## حقوق پناهندگی در اسلام: منبعی برای توسعه حقوق بین‌الملل پناهندگی

e.mousazadeh@ut.ac.ir

ابراهيم موسی‌زاده / دانشیار دانشگاه تهران

rozita.kahrizi@gmail.com

کهریزی / دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران

دریافت: ۱۳۹۴/۱/۴ - پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۱

### چکیده

حقوق پناهندگی در اسلام با داشتن صبغه مثبت، از زمان جاهلیت (مفهوم جوار)، حمایتی حداکثری و نظام‌مند را به پناهندگان و پناه‌جویان ارائه می‌دهد. در این زمینه، منابع اسلامی، اعم از آیات قرآن کریم، روایات، سیره پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ و خلفای اسلامی و نیز آراء فقها و حقوق‌دانان بر این حمایت با حداقل مستثنیات تأکید دارند. عقد «استیمان یا امان»، پناهندگی به افراد مسلمان و غیرمسلمان در عصر غیبت، و حقوق و تکالیف پناهندگان و دولت‌های اسلامی در قبال یکدیگر از جمله موضوعات بررسی شده است. با توجه به آیات، روایات و سیره معصومان ﷺ مشاهده می‌شود که پناهندگان در حمایت آحاد جامعه اسلامی و دولت اسلامی قرار دارند، مگر اینکه هدف فرار از عدالت و قانون باشد که در این حالت، مشابه کنوانسیون ژنو، حمایتی در کار نخواهد بود. با توجه به گسسته بودن حمایت‌های ارائه‌شده تحت حقوق بین‌الملل، پناهندگی کنونی و عدم کفایت آنها، دین مبین اسلام می‌تواند به‌عنوان منبع حقوقی، اخلاقی و بشری به ارتقا و توسعه بیش از پیش حقوق بین‌الملل پناهندگی یاری رساند.

**کلیدواژه‌ها:** پناهنده، اسلام، فقه، حقوق بین‌الملل پناهندگی، عقد استیمان، امان.

## مقدمه

برخلاف حقوق بین‌الملل، که پناه دادن به فراریان را یک اصل اخلاقی تلقی کرده و دولت‌ها را نسبت به پذیرش یا نپذیرفتن آنان آزاد گذاشته است و تنها به توصیه‌هایی در این زمینه اکتفا نموده، در شریعت اسلامی از همان آغاز، پناه دادن به مظلومان به عنوان یک وظیفه الهی و دینی و به صورت یک قاعده حقوقی مطرح بوده و هیچ‌گونه مسامحه و سهل‌انگاری را در این زمینه جایز ندانسته است، تا آنجا که بی‌توجهی به مظلومان را ضعف ایمان افراد مسلمان به حساب آورده و بر همین اساس در روایتی از پیامبر ﷺ نقل گردیده که «مَنْ سَمِعَ مُنَادِيًا ينادي يا للمسلمين فلم يجبه فليس بمسلم» (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۱۰۸)؛ هر مسلمانی که صدای انسانی را بشنود که مسلمانان را به یاری خویش فرامی‌خواند و به او پاسخ مثبت ندهد، مسلمان نیست. این روایت هرچند منحصرأ در خصوص پناهندگان وارد نشده و شامل هر ستم‌دیده‌ای، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، می‌شود ولی روشن است که پناهندگان و آوارگان از وطن و کاشانه خویش، از بارزترین مصادیق مظلومان هستند و بر هر مسلمان و به‌ویژه دولت اسلامی، لازم است به آنها پناه دهد و از همه امکانات خویش برای رفع ظلم از آنان استفاده کند. بر این اساس، مقررات و احکام اسلامی منابعی ارزشمند برای حمایت از حقوق پناهندگان، پناهجویان و مهاجران به‌شمار می‌آید (رهایبی، ۲۰۰۹، ص ۵).

رد پای مفهوم «پناهندگی» در دین اسلام را می‌توان در قرآن کریم، روایات و احادیث، سیره پیامبر و ائمه معصومان علیهم‌السلام و خلفا و آراء فقها و حقوق‌دانان اسلامی دنبال نمود. همین تأکید و حمایت حداکثری موجب شده است تا رویه حمایتی سطح بالا و تقریباً پایداری در تمام دوران‌های گوناگون و جوامع اسلامی وجود داشته باشد. رویه کنونی ملت‌ها و دولت‌های مسلمان شواهدی مختلط به دست می‌دهد، به‌گونه‌ای که گاهی شاهد حمایت حداکثری و مهمان‌نوازی کشور میزبان از پناهندگان هستیم و گاهی شاهد بازگرداندن، بیرون راندن و حمایت نکردن از پناهجویان مسلمان و غیرمسلمان. در حال حاضر، قریب ۸/۷ میلیون نفر پناهنده در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی زندگی می‌کنند که از این میان، ۴ میلیون نفر از آنان پناهندگان فلسطینی ثبت شده توسط سازمان (UNRWA) هستند. اکنون ۲/۲ میلیون پناهنده عراقی در کشورهای ایران، اردن و سوریه و غیره ساکنند که با توجه به امکانات موجود، این کشورها به‌خوبی پذیرای آنها بوده‌اند. اما گاهی همچون اسکان دو ساله ۲ هزار پناهنده فلسطینی در اردوگاه «الولید» در مرز سوریه-عراق و اسکان موقت ۲۷ هزار تن از مسلمانان میانمار در اردوگاه کمیساریای عالی پناهندگان، نشان‌دهنده وخامت اوضاع

پناهندگان در کشورهای اسلامی است (ترک، ۲۰۰۸، ص ۹). این عدم مطابقت رویه‌های عملی دولت‌های اسلامی با هنجارهای دین اسلام، به تجزیه دارالاسلام به تعداد زیادی دولت اسلامی در معنای نوین و منفک از هم نسبت داده شده است (المدمد، ۲۰۰۸، ص ۶۲).

این مقاله با بررسی وجوه گوناگون مفهوم «پناهندگی»، به تعریف دایره شمول آن، عقد «استیمان» و ملزومات آن، استثناهای مربوط به آن، تفاوت‌های آن در عصر غیبت و زمان حضور امام معصوم و در نهایت، امکان بهره‌برداری از حقوق پناهندگی اسلامی به منظور توسعه حقوق بین‌الملل می‌پردازد. یاری جستن از حمایت‌های حداکثری ارائه شده برای پناهندگان در دین اسلام برای توسعه بیش از پیش حقوق بین‌الملل پناهندگی یکی از رویکردهایی است که در سالیان اخیر، مطمح نظر حقوق دانان مسلمان و غیرمسلمان قرار گرفته است (فالدوئر، ۱۹۹۶؛ الرحیم، ۲۰۰۸؛ المدمد، ۲۰۰۸؛ ترک، ۲۰۰۸؛ رهایی، ۲۰۰۹؛ منیر، ۲۰۱۱؛ قسمیه، ۲۰۱۱؛ سیت، ۲۰۱۳).

## بررسی مفاهیم و واژگان کلیدی

### الف. تعریف پناهندگی در حقوق بین‌الملل

اصطلاح «پناهنده»، «پناهندگان» و «پناهندگی» از جمله اصطلاحاتی است که در نظام حقوق بشر، و به معنای عام‌تر، حقوق بین‌الملل، بسیار متداول بوده و مکرر از آنها استفاده شده است. با وجود آنکه بسیاری از اصطلاحات حقوق بشری در اسناد حقوق بشر تعریف نشده، اما اصطلاح «پناهنده» و «پناهندگان» دارای معنا و مفهوم مشخصی در اسناد ذی‌ربط است. به‌طور کلی، «پناهنده» به کسی گفته می‌شود که به منظور مصون ماندن از تعقیب و آزار، از کشورش فرار کرده و به کشور دیگری پناه آورده باشد (کوندا، ۲۰۰۴، ص ۲۲۱). البته از آن‌رو که موضوع پناهندگی دارای سابقه نسبتاً طولانی در نظام بین‌الملل بوده و پیشینه آن به پیش از شکل‌گیری نظام نوین حقوق بین‌الملل در اوایل قرن بیستم و به معاهده‌های دو و چندجانبه در این زمینه بازمی‌گردد، تلاش‌هایی هم برای ارائه مفهوم و معنای اصطلاحی آن صورت گرفته است (موسلی، ۱۹۹۲، ص ۳). این تعاریف بیشتر مبتنی بر ارائه مفهومی از اصطلاح «پناهنده» برای تأمین اهداف معاهده‌ای حقوق بین‌الملل بوده و این شیوه در تدوین اسناد بعدی نیز مراعات شده است. یکی از مهم‌ترین و نسبتاً جامع‌ترین تعاریف مربوط به این اصطلاح، در ماده یک «کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان (۱۹۵۱)» ارائه شده است.

در ماده اول کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو آمده است که در کنوانسیون حاضر، واژه «پناهنده» به هر کسی

اطلاق می‌شود که بر حسب موافقت‌نامه‌های ۱۲ مه ۱۹۶۲ و ۳۰ ژوئن ۱۹۲۸، یا کنوانسیون‌های ۲۸

اکتبر ۱۹۳۳ و ۱۰ فوریه ۱۹۳۸، پروتکل ۱۴ سپتامبر ۱۹۳۹، یا اساس‌نامه سازمان بین‌المللی پناهندگان، «پناهنده» شناخته شده باشد، یا در نتیجه حوادثی که پیش از اول ژانویه ۱۹۵۱ اتفاق افتاده است و به سبب ترس موجه از تعقیب و آزار به خاطر نژاد، مذهب، عضویت در یک گروه اجتماعی یا دارا بودن عقیده سیاسی خاص، در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برد و به سبب چنین ترسی، قادر و یا علاقه‌مند به بازگشت به آن کشور نیست.

به عبارت دیگر، بر اساس تعریف اساس‌نامه کمیساریای عالی پناهندگان و کنوانسیون مذکور (بند الف از ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱)، برای اینکه کسی از لحاظ قانونی پناهنده شناخته شود، لازم است علت قطع رابطه‌اش با کشور متبوع یا محل سکونت، ترس موجه از تعقیب شدن باشد و جهات تعقیب هم نژاد، مذهب، ملیت، عقیده سیاسی یا عضویت در دسته اجتماعی بخصوصی باشد، مشروط به اینکه نتواند یا نخواهد از حمایت کشور متبوع خود برخوردار شود و یا در صورت نداشتن تابعیت، به سبب ترس موجه، نخواهد به کشور محل سکونت بازگردد. البته موضوعاتی هم به صراحت، از شمول پناهندگی مستثنا شده است؛ مثلاً، مجرمانی که در دادگاه صالح با قضاوت عادلانه، با داشتن وکیل مدافع محکوم شده و به خاطر فرار از زندان، کشورشان را ترک کرده‌اند پناهنده محسوب نمی‌شوند. همچنین افرادی که در جنایات جنگی و وحشیگری‌های عمومی نظیر کشتار دسته‌جمعی شرکت داشته‌اند، حق تقاضای پناهندگی ندارند. البته هر کشوری حق دارد در زمان جنگ، تابعان خود را به سربازی فراخواند، ولی تابعان باید حق اعتراض داشته باشند. در مواقعی که حق اعتراض نیست و اختلافات به تدریج حدود بین‌المللی را به واهمه می‌اندازد، فراریانی که از پیگرد قانونی می‌ترسند، نظیر فعالان سیاسی، حق پناهندگی دارند.

طبق بند ۱ ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، تقاضای پناهندگی کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار نماید. علاوه بر تصریح ماده مزبور بر حق پناهندگی و شناسایی آن، اسناد منطقه‌ای همچون کنوانسیون منطقه‌ای سازمان وحدت آفریقا (۱۹۶۹) و کنفرانس نمایندگان دولت‌های آمریکای لاتین و حقوق‌دانان برجسته (کارتاخنا) (۱۹۸۴) و اسناد داخلی همچون ماده ۱ آیین‌نامه پناهندگان مصوب ۱۳۴۲/۹/۲۵ و اصل یکصد و پنجاه و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در مقام تعریف و تحدید مفهوم «پناهنده» ظاهر شده‌اند. به نظر می‌رسد جامع‌ترین تعریف برای «پناهنده»، که در حال حاضر در عرصه جهانی و بین‌المللی نیز قابلیت استناد داشته باشد و صرفاً محدود به منطقه خاص یا حقوق داخلی نباشد، تعریف کنوانسیون وضعیت

پناهندگان مصوب ۱۹۵۱ است که بن‌مایه آن تعدادی موافقت‌نامه بین‌المللی از جمله اساس‌نامه سازمان بین‌المللی پناهندگان و نیز ترس موجه از تعقیب و آزار به علل نژادی، مذهبی، عضویت در یک گروه اجتماعی یا دارا بودن عقیده سیاسی خاص است. این کنوانسیون در ابتدا به پناهندگان اروپایی پس از جنگ جهانی دوم محدود می‌شد که با تصویب معاهده ۱۹۶۷ محدودیت‌های جغرافیایی و زمانی آن برداشته شد و محدوده فعالیت‌های کنوانسیون توسعه یافت.

پروتکل ۱۹۶۷ درباره وضعیت پناهندگان، علاوه بر حذف محدودیت زمانی، مفاد کنوانسیون ۱۹۵۱ را نیز دربر می‌گیرد. این پروتکل محدودیت‌های زمانی و جغرافیایی کنوانسیون ۱۹۵۱ را برداشته، اما در عین حال، به کشورهای عضو آن کنوانسیون اجازه داده است که مختار به پی‌روی از معیارهای جدید باشند یا همان موارد کنوانسیون را ملاک عمل قرار دهند. منبع دیگر، اعلامیه پناهندگی سرزمینی (۱۹۶۷) است که به دنبال پیش‌نویس اعلامیه‌ای که در سال ۱۹۵۷ توسط نماینده فرانسه به کمیسیون حقوق بشر تسلیم شده بود، پس از ده سال بحث و بررسی طی قطع‌نامه ۲۳۱۲ مجمع عمومی تحت عنوان «اعلامیه پناهندگی سرزمینی» به تصویب رسید. اساس‌نامه کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان (UNHCR)، که در ۱۹۵۰ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید، منبع دیگری است که وظیفه حمایت بین‌المللی از پناهندگان و جست‌وجوی راه‌حل‌های پایدار را عهده‌دار است. مجمع عمومی سازمان ملل به تدریج، به مسئولیت‌های کمیساریا توسعه بخشیده تا گروه‌های مختلفی از مردم را که تحت شمول کنوانسیون و پروتکل پناهندگان نیستند حمایت کند. کنوانسیون «ممنوعیت شکنجه» (۱۹۸۴) نیز به صورت غیرمستقیم در حمایت از پناهجویان نقش دارد، از این منظر که شکنجه و اعاده اجباری به کشور مبدأ می‌تواند به‌عنوان یکی از ترس‌های موجه پناهندگان مطرح باشد (موسی‌زاده و کهریزی، ۱۳۹۳، ص ۱۸).

### ب. تعریف «پناهندگی» در اسلام

مفهوم و تعریف «پناهنده» و «پناهندگی» از منظر فقهی با آنچه در اسناد بین‌المللی مطرح شده، متفاوت است، هرچند منابع فقهی و بین‌المللی به طور مشترک، حقوقی را برای پناهنده شناسایی نموده‌اند. از منظر اسلام، در تعریف پناهنده، غالباً فقط به یک شرط مستثناکننده اشاره می‌شود و آن حالتی است که مجرمی بخواهد تحت پوشش پناهندگی، از تعقیب قانون و عدالت بگریزد، که در این صورت، نه تنها چنین شخصی حقیقتاً پناهنده نیست، بلکه پناه دادن به چنین اشخاصی جرم به حساب می‌آید (جعفری، ۱۳۷۰، ص ۲۱۷). بر همین اساس، از پیامبر ﷺ نقل شده است که فرمودند: «مَنْ أَحْدَثَ حَدَثًا أَوْ آوَى

مُحَدَّثًا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (بخاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰)؛ هر کس - خود - مرتکب جرم و فسادى گردد و یا مفسدى را پناه دهد لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر او باد. البته چنین شخصى، حتى بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و نیز طبق همه قوانین داخلی کشورها مصداق «پناهنده» نیست و نمی‌تواند از مزایای قانون پناهنده برخوردار گردد.

بنابراین، تعریف موسع از «پناهنده» ناظر بر تمام افرادی است که به هر علت به کشور دیگری روی آورده‌اند و این می‌تواند اعم از ظالم، مظلوم، افراد قانون‌شکن و یا افراد فاقد شرایط پناهندگی باشد و صرفاً ناظر بر خواست و تمایل شخص مزبور است. اما همان‌گونه که اشاره شد، تعریف نهایی از «پناهنده» ناظر بر افرادی است که درخواست پناهندگی به کشوری دیگر را دارند و شرایط مزبور را نیز برآورده می‌نمایند. برای مثال، ظالم نمی‌تواند پناهنده محسوب گردد. از این منظر، «پناهنده» عبارت است از: کسی که برای فرار از ظلم و طغیان دیگران و نجات دادن خود و یا کسانی که مسئولیت حمایت از آنان را به عهده دارد، به کشور دیگری روی آورده و در صدد است از موقعیت سیاسی و اجتماعی آن کشور استفاده کند و امنیت لازم را به دست آورد. چنین اشخاصی سزاوار حمایت هستند و همه انسان‌ها به حکم انگیزه نوع‌دوستی، باید از آنان حمایت کنند. در همین زمینه، خداوند در آیه ۷۵ سوره نساء می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»؛ شما را چه شده است؛ چرا در راه خدا و نجات بیچارگان از زن و مرد و کودک پیکار نمی‌کنید که می‌گویند: بارالها، ما را از این سرزمین که مردمش همه ستمگرند، بیرون کن و نجات بده و از ناحیه خود برای ما سرپرستی بفرست و یا از جانب خود مددکاری برای ما روانه کن؟ در حقیقت، همه کسانی که در این آیه، خداوند متعال مسلمانان را به دفاع از آنان فراخوانده، در صورت پناهندگی مصداق بارز «پناهنده» خواهند بود، خواه از ظلم دولت فراری باشند و یا از ظلم ملت، و ظلم نیز برخاسته از اختلاف عقیدتی باشد و یا نژادی و یا سیاسی و یا تمایلات مادی و حیوانی.

فقهها نیز مبادرت به ارائه تعاریفی از «پناهندگی» و «پناهنده» کرده‌اند. علامه حلی در کتاب *تذکرة الفقهاء*، «پناهندگی» را این‌گونه تعریف کرده است: «عقد امان»، متارکه با کفار به منظور پذیرفتن درخواست آنها مبنی بر مهلت دادن است (حلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۴). در کتاب *الاسلام و العلاقات الدولیه*، «پناهندگی» و «امان» این‌گونه تعریف شده است: «امان» عبارت از: عقدی از عقود شرعی است که خداوند وفای به آن را دستور داده است و با ایجاب و قبول منعقد می‌شود؛ ایجاب از طرف امان‌دهنده و قبول از طرف مستأمن یا

بعکس. این مسئله از فعل و سیره رسول اکرم ﷺ فهمیده می‌شود؛ زیرا هنگام فتح مکه، به اهل مکه امان دادند (عقیقی، ۱۳۶۳، ص ۳۱۹). شهید ثانی نیز در شرح المعة الدمشقیه «پناهندگی» و «امان» را عقد دانسته است که با هر لفظ و یا کتاب یا اشاره قابل فهمی منعقد می‌گردد (مکی عاملی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۹۶).

## منابع حقوق پناهندگی در اسلام

منابع حقوق پناهندگی در اسلام را می‌توان به چهار دسته عمده تقسیم کرد: قرآن، روایات، سیره پیامبر ﷺ و ائمه اطهار (ع)، و آراء فقها و حقوق‌دانان اسلامی. در ادامه، این چهار منبع تحلیل می‌شود تا سطح حمایت ارائه‌شده، شقوق آن، استنهاها و بعضاً اختلاف نظرات تبیین گردد:

### ۱. قرآن کریم

ادله و تعریف دایره شمول پناهندگی پیش از هر دلیل دیگر، آیات قرآن کریم است که این موضوع را تشریح کرده و پذیرش پناهنده را گاهی واجب دانسته است. یکی از پرارجاع‌ترین آیات در این زمینه، آیه ششم سوره توبه است که در آن، قرآن مسئله پناهندگی را - حتی در خصوص مشرکان مکه، یعنی سرسخت‌ترین دشمنان اسلام و مسلمانان - محترم شمرده، می‌فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» (توبه: ۶)؛ چنانچه کسی از مشرکان از تو پناه خواست تا با آرامش و اطمینان خاطر درباره اسلام تحقیق کند و از محتوای وحی آگاه گردد، حتماً پناهندگی او را بپذیر و پس از پایان دوره پناهندگی، او را با امنیت کامل به اردوگاه خصم بازگردان. با توجه به این آیه شریفه، پناهندگی در اسلام مقبول واقع شده و برخی از فقها برای تجویز پناهندگی، به آیه مزبور استناد کرده‌اند (مکی عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵۹؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۹۲؛ طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴).

آیات ۸۰ و ۹۰ سوره نساء هم می‌تواند ناظر به رسم پناهندگی و محترم بودن پناهنده باشد که پس از صدور فرمان جنگ با دشمنان، مسلمانان را از جنگ با گروهی از افراد دشمن که از درگیری و جنگ با مسلمانان کناره گرفته‌اند، معاف داشته، می‌فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّثَاقٌ أَوْ جَاؤُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقَاتَلُوكُمْ أَوْ يَقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ»؛ مگر کسانی که پیوند داشته باشند با گروهی که میان شما و آنان پیمانی است، یا نزد شما بیایند درحالی که سینه آنان از جنگیدن با شما یا جنگیدن با قوم خود به تنگ آمده باشد، که خداوند به شما اجازه جنگ با آنان را نمی‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه شد، در این آیه شریفه، نه‌تنها پناهندگان به مسلمانان قانوناً در امان هستند، بلکه پناهندگان به افرادی که هم‌پیمان مسلمانان باشند نیز محترم و غیرقابل معارضه هستند.

## ۲. روایات

اما از نظر حدیث، در زمینه پناهندگی، روایات فراوانی از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده که البته عمدتاً ناظر بر احترام و الزام به تعهد به پناهنده است و نه دال بر الزام به پناه دادن. با وجود این، تعدد و تأکید روایات بر محترم شمردن پناهندگان و پناهندگی و الزام به رعایت تعهدات در این زمینه از سوی همگان، نشان‌دهنده اهمیت بالای این مقوله است؛ از جمله در *اصول کافی* از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است: «الْمُؤْمِنُونَ أَخُوهُ تَكَافَأَ دِمَائُهُ وَهَمَّ يَدُّ عَلَيَّ مَنْ سَوَاهِمٍ وَ يَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ أَذْنَاهُمْ» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۰۴)؛ مؤمنان از نظر ارزش خونی، با یکدیگر مساوی‌اند و همگی مانند دست واحدی علیه دشمن هستند و تعهد گمنام‌ترین آنان نسبت به معروف‌ترین آنها الزام‌آور است.

همچنین از *صحیفه امیر مؤمنان* علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «تعهد و امان مسلمانان، همه یکسان است و تعهد گمنام‌ترین آنان از جانب همگی لازم‌المراعات است. هر کس تعهد مسلمانی را نادیده انگارد به لعنت خدا و فرشتگان و همه مردمان گرفتار آید و خداوند [نسبت به مجازات او راه‌گریزی قرار نداده است و] بلاگردان و بدلی از او نمی‌پذیرد» (بخاری، بی تا، ج ۳، ص ۲۶).

صاحب *وسائل الشیعه* در روایتی از امام صادق علیه السلام آورده است که شخصی از امام پرسید: سخن پیامبر صلی الله علیه و آله «یسعی بِذِمَّتِهِمْ أَذْنَاهُمْ» چه معنایی دارد؟ امام فرمودند: اگر سپاهی از مسلمانان شهری را محاصره کرده باشند و [در این هنگام که شرایط پیروزی فراهم است] کسی از سپاه دشمن بگوید: به من امان بدهید تا با فرمانده شما ملاقات و بحث کنم؛ در این حال، اگر گمنام‌ترین فردی که در سپاه اسلام حضور دارد به او امان دهد، برای برجسته‌ترین افراد [و از جمله فرمانده سپاه] لازم است به این تعهد عمل نماید (حرعاملی، بی تا، ج ۱۵، ص ۶۷). نیز از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند: علی علیه السلام امان برده مسلمانان را در خصوص همه افراد قلعه‌ای که در محاصره مسلمانان قرار داشت، تنفیذ فرمودند و ابراز داشتند که این برده نیز از مسلمانان است و به حکم «یسعی بِذِمَّتِهِمْ أَذْنَاهُمْ»، واجد همه حقوقی است که برای مسلمان در نظر گرفته شده است (حرعاملی، بی تا، ج ۱۵، ص ۶۷).

نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: اگر سپاهیان اسلام شهری را محاصره کرده باشند و مردم شهر از آنان تقاضای امان کنند و آنان پاسخ رد دهند، ولی سپاهیان دشمن تصور کنند که پاسخ مثبت بوده و بر اساس این گمان، تسلیم شوند، در امان خواهند بود و هیچ‌کس نمی‌تواند کمترین مزاحمتی برای آنان فراهم آورد و آنها دارای همه‌گونه حقوق پناهندگی خواهند بود (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۲۳۷).



آنچه ذکر شد نمونه‌ای اندک از روایات بسیاری است که در زمینه استئمان و پناهندگی از پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ نقل گردیده که عمدتاً ناظر بر احترام به قرار و تعهد مسلمانان و جواز چنین قرار و تعهدی هستند. بنابراین، حداکثر برداشتی که می‌توان از مجموعه روایات فوق داشت جواز و احترام به تعهدات و قرارهای استئمان و پناهندگی پس از انعقاد توسط یکی از مسلمانان است و نه وجوب آن. از این روایات، مشروعیت و قانونی بودن پناه دادن به افرادی که با مسلمانان سابقه دشمنی نداشته و از ترس دشمنان خود به مسلمانان پناهنده می‌شوند، به طریق اولی استفاده می‌شود. همچنین مطابق تعاریف فقها از «پناهنده» - بجز استثنای فرار از قانون و عدالت - محدودیت دیگری در تعریف «پناهنده» آورده نشده است.

### ۳. سیره

ابتدا قابل ذکر است که مردمان شبه‌جزیره عربستان پیش از ظهور اسلام نیز در زمینه پناهندگی پیشینه مثبتی داشتند و مفهوم و سازوکار «جوار» (معادل و هم‌معنای امان) از طریق طیفی از نظام‌نامه‌های قبیله‌ای و اخلاقی در سطح شبه‌جزیره عربستان نهادینه گردیده بود (جمیلی، ۱۹۷۲، ص ۴۹). پس از اسلام، این پیشینه مثبت تأیید و تقویت گردید و نظام بیشتری یافت. از نمونه‌هایی که نشان‌دهنده احترام گزاردن مسلمانان به اصل پناهندگی سیاسی است، پناهندگی *ابوالعاص* به همسر سابقش زینب، دختر رسول خدا ﷺ است که پیش از فتح مکه، هنگامی که با اموال مردم مکه برای تجارت به شام رفته بود، در بین راه با گروهی از مسلمانان برخورد کرد و آنان نیز سرمایه او را ضبط کردند و *ابوالعاص* خود فرار کرد. مسلمانان اموال او را به مدینه آوردند و *ابوالعاص* نیز شبانه وارد مدینه شد و به زینب، همسر سابقش پناه برد تا مال خود را باز پس گیرد. هنگامی که رسول خدا ﷺ برای نماز بامداد به مسجد رفته بودند، زینب از میان زنان فریاد زد: ای مردم، من *ابوالعاص بن ربیع* را پناه دادم. پیامبر ﷺ پس از نماز به مردم فرمودند: آیا آنچه را که من شنیدم شما نیز شنیدید؟ گفتند: آری. پیامبر ﷺ فرمودند: به خدا سوگند، من نیز پیش از این بی‌خبر بودم، اما هر مسلمانی می‌تواند از طرف مسلمانان به کسی پناه دهد. سپس پیامبر به خانه زینب رفتند و گفتند: دخترم، در پذیرایی از پناهنده خویش کوتاهی مکن، اما بدان که ازدواج مسلمان با مشرک مباح نیست (آیتی، ۱۳۵۳، ص ۲۸۰).

داستان پناهنده شدن *حارث بن هشام* و *زهیر بن ابی‌امیه* به *أم هانی* در فتح مکه، نمونه دیگری از پناهندگی در تاریخ اسلام است. هنگامی که پیامبر ﷺ از پناهنده شدن آن دو به *أم هانی* اطلاع یافتند، فرمودند: «قَدْ أَجْرْنَا مِنْ أَجْرَتِ وَأَمَّا مَنْ أَمَّنَتْ». در ماجرای مزبور، *أم هانی*، خواهر امام علی ﷺ، دو تن

مذکور را، که از خویشان شوهرش گریخته و به خانه او پناه آورده بودند، پناه داد. علی بن ابی طالب علیه السلام به خانه وی رفت و گفت: به خدا قسم که اینان را می‌کشم؛ اما آم هانی در خانه را بست و مانع کشتن آنها شد. وی سپس نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت، جریان را به اطلاع آن حضرت رساند و برای آن دو امان خواست. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در خواست آم هانی را پذیرفتند و فرمودند: «ما هم به هر کسی که تو پناه داده‌ای، پناه دادیم و هر کس را امان داده‌ای در امان است» (ابن هشام، بی تا، ج ۴، ص ۵۴). از آنچه گفته شد، نتیجه گرفته می‌شود که پذیرش اصل پناهندگی و عمل بدان در جامعه اسلامی، قطعاً از همان آغاز محل توجه بوده و چه در حیات و چه پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله به آن عمل می‌شده و حق پناه دادن نیز در جامعه اسلامی مخصوص حاکم اسلامی و حتی مشروط به تأیید او نبوده است، بلکه هر مسلمان، اعم از آزاد و برده در صورتی که از استقلال عقل و اختیار برخوردار بود، می‌توانست بیگانه یا بیگانگانی را پناه دهند، و در این صورت، آن فرد یا افراد از مصونیت جانی و مالی برخوردار می‌شدند. اهتمام مسلمانان به موضوع پناهندگی تا آنجا بود که حتی گاهی بیگانگان به توهم اینکه به آنان امان داده شده است، وارد سرزمین اسلام می‌شدند، ولی در واقع، چنین امری در کار نبود و آنها اشتباه کرده بودند؛ اما با آنان همانند پناهنده رفتار می‌شد و از مصونیت مالی و جانی برخوردار می‌شدند و هیچ مسلمانی حق تعرض به آنان را نداشت، و در صورتی که حاکم اسلامی حضور آنان را در جامعه اسلامی مصلحت نمی‌دانست، افرادی را مأمور می‌کرد که آنان را به سلامت تا سرزمین خودشان بدرقه کنند.

#### ۴. آراء فقها و حقوق‌دانان مسلمان

فقها و حقوق‌دانان مسلمان در مشروعیت و قانونی بودن پناهندگی و لزوم دفاع از پناهندگان و به‌ویژه آنان که سابقه دشمنی با مسلمانان را نداشتند، تردید نمی‌کردند و همگی به قانونی بودن این اصل از دیدگاه اسلام اعتراف دارند؛ چه اینکه آیات و روایات متعدد و صریح درباره پناهندگی، راه هرگونه تشکیک را بر محققان سد کرده است. اما با وجود این، اختلافاتی در خصوص جزئیات شرایط پناهندگی و حقوق و تکالیف پناهنده میان اندیشمندان مسلمان وجود دارد. در این قسمت، درباره دو موضوع مهم «عقد استیمان» و «حقوق و تکالیف پناهندگان از دیدگاه اسلام» بحث می‌شود:

**الف. عقد استیمان:** مسئله پناهندگی، در فقه به «استجاره» و «امان» تعبیر می‌شود (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۹۲). «استجاره» و «امان» پناهندگی خواستن یا پناهندگی و امان دادن است. «مستأمن» و «معاهد» هر دو به یک معنا هستند و به کسی گفته می‌شود که به خاطر پناهندگی به سرزمین اسلامی وارد شده است، نه برای اقامت دائمی (سیدفاطمی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۸). از نظر اسلام، هرگاه به کسی امان داده شود

مسلمانان، اعم از عالی‌مقام و دون‌پایه موظفند از هر نوع تعرض به جان و مال وی اجتناب کنند که از آن می‌توان به عنوان «مصونیت از تعرض» یاد کرد (اشراق، ۱۳۶۰، ص ۳۵۰). به موجب آیه «امان»، اگر مشرکی تقاضای امان کرد به او اعطا کنید تا زمانی که کلام الهی (معارف اسلامی) را بشنود و سپس او را به محل امنش برسانید (توبه: ۶). کسی که به او امان و پناهندگی داده می‌شود، در اصطلاح، «مستأمن» - بر وزن مستقبل - نامیده می‌شود. قانون فقهی استجاره و امان در اصل، از خود قرآن، سنت پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام اخذ شده است.

بنابراین، جواز پناه دادن به مظلومان از بارزترین احکام قرآن و اسلام است، ولی فقهای اسلام از نظر وسعت دایره امان و حق پناه دادن برای همه افراد مسلمان، اختلاف نظر دارند. تردیدی نیست که هریک از مسلمانان به حکم روایات ذی‌ربط حق دارد به فرد یا افرادی از بیگانگان و حتی دشمنان و سپاهیان خصم پناه دهد، ولی اختلاف است که هر مسلمان بدون اجازه فرمانده لشکر می‌تواند به صورت دسته‌جمعی به همگی سپاه دشمن و همه ساکنان مناطق درگیر جنگ با مسلمانان امان و پناه دهد و یا تنها می‌تواند به افراد معدودی از آنان پناهندگی سیاسی دهد. مشخصاً این اختلاف و سطح حمایت بسیار فراتر از حمایت‌های ارائه‌شده تحت حقوق بین‌الملل کنونی و یا اجرا شده در کشورهای مسلمان است.

صاحب *جواهر الکلام* پس از نقل این اختلاف نظر، می‌نویسد: مرحوم محقق حلی متمایل به عدم جواز امان دادن جمعی، از جانب آحاد مسلمانان است، ولی اطلاق حدیث «یسعی بذمتهم أدناهم» می‌رساند که تفاوتی در امان دادن به صورت فردی و جمعی نیست و نیز روایت منقول از حضرت علی علیه‌السلام که آن حضرت امان برده مسلمان را در خصوص جمع بیگانگان تنفیذ فرموده، مؤید آن است؛ زیرا در این روایت، به جمله «یسعی بذمتهم أدناهم» استدلال شده است و عمر نیز این مطلب را از حضرت علی علیه‌السلام آموخته بود و به همین سبب، امان برده مسلمان را در خصوص ساکنان شهری تنفیذ نمود. بنابراین، روایت حضرت علی علیه‌السلام را نمی‌توان به عنوان اینکه حکمی است موردی و مربوط به واقعه‌ای خاص، قابل استدلال ندانست (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۹۲). شافعی در کتاب *الأم* می‌نویسد: هر مسلمان بالغ و عاقل، اعم از مرد یا زن رزمنده یا غیررزمنده می‌تواند به فرد یا جمع بیگانگان امان دهد و مستند وی عموم حدیث نبوی است: «المسلمون أخوة تتكافأ دمائهم وهم يدُّ على من سواهم و یسعی بذمتهم أدناهم» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۰۴). فقیه معروف حنفی، ابن عابدین، نیز می‌نویسد: هرگاه یکی از مسلمانان آزاد - زن یا مرد - به فردی یا جماعتی از کفار و یا همه مردم یک حصار یا شهری امان دهد، امان او معتبر بوده و برای هیچ‌یک از مسلمانان جایز نیست با آنان وارد جنگ شود (ابن عابدین، ۱۳۵۷، ج ۴، ص ۱۳۴).

همچنین فقها و حقوق‌دانان مسلمان نسبت به زمان پناهندگی بیگانگان اختلاف نظر دارند. گروهی معتقدند که قرارداد امان حداکثر می‌تواند برای مدت چهار ماه منعقد گردد (شافعی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۱۱۱) و بعضی مدت عقد امان را تا یک سال و بعضی نیز تا ده سال مجاز دانسته‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۱۲)؛ ولی گروهی از فقها قرارداد را تا زمانی که مصلحتی برای مسلمانان در برداشته باشد و یا مفسده‌ای بر اثر قرار داد امان متوجه جامعه اسلامی نبوده باشد، جایز دانسته‌اند و زمان محدودی را برای آن لازم ندانسته‌اند. صاحب *جواهر الکلام* پس از آنکه اختلاف نظر فقها را در این زمینه ذکر می‌کند، می‌نویسد: بعضی از فقها زمان امان را تا یک سال جایز دانسته‌اند، ولی دلیلی برای این محدودیت به نظر نمی‌رسد و ادله مربوط به این باب مطلق است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۰۳). ضرورت جهاد، سالی یک بار، و یا اینکه پیامبر ﷺ پیمان صلح حدیبیه را به مدت ده سال محدود نمودند، دلیلی نخواهد بود بر اینکه هر قرارداد امان باید محدود به چنین زمانی باشد؛ زیرا آیات وارد شده در خصوص این پیمان مطلق است؛ همانند آیه ۶ سوره توبه.

در باب نفع و ضرر نیز علامه حلی در تذکره می‌نویسد: در عقد امان، لازم نیست حتماً نفعی برای مسلمانان مطرح باشد، بلکه قرارداد امان در صورتی که ضرری برای جامعه اسلامی دربر نداشته باشد، معتبر خواهد بود. بنابراین، حضور مستأمنان - اعم از رجال سیاسی و غیرسیاسی، بازرگانان یا افراد دیگر - مادام که حضورشان در جامعه اسلامی مفسده‌ای به دنبال نداشته باشد، در صورتی که قرارداد امان با دولت اسلامی و یا افراد مسلمان امضا کرده باشند، بلامانع خواهد بود (محقق کرکی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۳۹۹).

**ب. حقوق و تکالیف پناهندگان:** پناهنده از نظر فقه اسلامی، محدود به مورد مستأمنان نمی‌شود؛ زیرا عنوان «پناهنده» معادل همان عنوان «جوار» است که در جامعه عرب مطرح بوده و در سوره توبه درباره آن آمده است: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ» (توبه: ۶). واضح است که حقوق جوار در جزیره العرب، منحصر به عدم تعرض پناه‌دهنده، که در احکام مستأمنان مطرح گردیده نبوده، بلکه جواردهنده خود را متعهد می‌دیده که از جوار خویش، در برابر هر خطری دفاع کند. همچنین ضرب‌المثل‌هایی مانند «احمی من مجیر الجراد» بیانگر اهتمام جامعه عرب به دفاع از پناهندگان خویش بوده است.

ادله صحّت «عقد استئمان»، از جمله ادله اعتبار حق پناهندگی و اعتراف اسلام به این اصل انسانی است. بنابراین، تکالیف و وظایف پناهندگان، همان وظایف مستأمنان و حتی وظایف اهل ذمه و اقلیت‌ها نیز نخواهد بود؛ زیرا «پناهنده» کسی است که از ترس ظلم دیگران به دولت اسلامی پناهنده

شده و قهراً مستحق حقوق ویژه‌ای است که اهل ذمه - که معمولاً در کشور اسلامی اقامت دائمی اختیار کرده‌اند - سزاوار آن نیستند.

بنابراین، وظایف پناهندگان را باید از مجموعه مقررات اسلامی مطرح‌شده درباره اهل ذمه و مستأمنان، ضمن ملاحظه وضعیت خاص پناهندگان استنباط نمود و می‌توان گفت: دولت اسلامی در خصوص پناهندگان می‌تواند به صورت ویژه مقرراتی را مطرح و به تناسب موارد و شخصیت پناهندگان، قانوناً تکالیفی برای آنان وضع کند. برای نمونه، فقها درباره کسانی که با دولت اسلامی پیمان ذمه منعقد می‌کنند، یکی از شرایط غیرقابل اغماض را پرداخت مالیاتی تحت عنوان «جزیه» دانسته‌اند. ولی اخذ چنین مالیاتی از افرادی که به خاطر تحقق عدالت و رفع ظلم دیگران، به دولت اسلامی پناهنده شده‌اند، غیرمعقول است.

یکی از شرایط عمومی که در خصوص اهل ذمه مطرح است تعهد آنان بر لزوم پیروی از احکام اسلام، اعم از مدنی و سیاسی و جزایی است، درحالی‌که به نظر می‌رسد پناهندگان نباید به چنین تعهدی ملزم باشند؛ چنان‌که درباره رجال سیاسی، به حکم مصونیت بین‌المللی‌شان، چنین التزامی مطرح نیست. جالب اینکه فقهای اسلام، حتی درباره مستأمنان، این دو شرط را به صورت عمومی نیاورده‌اند، بلکه در خصوص مستأمن، پرداخت مالیات را مشروط بر این دانسته‌اند که مستأمن بخواهد سال‌ها - و دست‌کم بیش از یک سال - در سرزمین اسلام بماند و در صورتی که مستأمن مرتکب جرایم سیاسی و اجتماعی گردد، قایل به مجازات وی نیستند، بلکه می‌گویند: باید او را از کشور اسلامی اخراج کرد، مگر اینکه در اصل انعقاد عقد امان، چنین شرطی با او شده باشد (موسوی خویی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳).

بنابراین، می‌توان گفت: شرایط اسلام در برابر پناهندگان مشابه همان شرایطی است که در کنوانسیون ژنو مطرح گردیده است؛ چراکه در چنین شرایطی، مبنای وضع مقررات، سیره عقلا و عرف بین‌المللی است و از این رو، در تاریخ اسلام آمده است که برای تجار غیرمسلمانی که تحت عنوان مستأمن برای تجارت به سرزمین اسلام می‌آمدند، میزان مالیاتی در نظر گرفته می‌شد که دولت‌های غیرمسلمان از تجار مسلمان می‌گرفتند.

قاضی ابویوسف در کتاب **الخراج** می‌نویسد: هنگامی که از خلیفه دوم درباره میزان مالیات گمرک از کفار حربی سؤال شد، پاسخ داد: به میزانی که آنان از تجار مسلمان می‌ستانند، شما نیز از تجار ایشان مالیات بگیرید (کاتب بغدادی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۵)؛ زیرا پناهندگان، چه از اهل کتاب باشند و چه از غیر اهل کتاب، به حکم آیه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ

تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسَطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسَطِينَ» (ممتحنه: ۸)، هر نوع کمک و خدمتی به آنان جایز است و آیات و روایات وارد شده در مورد مستأمنان - که اعم از پیمان‌دمه و پیمان‌هدنه است - مخصوص کسانی است که خارج از عنوان «پناهندگی»، می‌خواهند به صورت دایم یا موقت در سرزمین اسلامی حضور داشته باشند.

شیخ طوسی در *مبسوط* می‌نویسد: امان بر دو قسم است: هدنه و ذمه. «هدنه» قرارداد موقت، و «ذمه» قرارداد دایم است. عقد «هدنه» می‌تواند در برابر پرداخت عوض منعقد شود و می‌تواند بدون عوض و پرداخت مالیات باشد. ولی در عقد «ذمه»، الزاماً این دو شرط در نظر گرفته می‌شود: یکی پرداخت مالیات ذمه، و دیگری تسلیم در برابر احکام و قوانین اسلام؛ زیرا در قرآن کریم آمده است که باید با اهل ذمه جنگید، تا آن‌گاه که جزیه را پردازند و احکام اسلام را پذیرا باشند. سپس می‌نویسد: پیران و ازکارافتادگان و زنان و کودکان از پرداخت مالیات جزیه معافند و برای مالیات جزیه میزان مشخصی ذکر نشده و تعیین مقدار آن از اختیارات حاکم اسلامی است که با ملاحظه وضع مالی آنان، مقدار مالیات را مشخص خواهد کرد (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶ - ۵۰).

و اما معاهد - یعنی کسی که طرف قرارداد هدنه است - کسی است که می‌خواهد به صورت موقت در سرزمین اسلامی حضور داشته باشد. این فرد نیز در صورتی که بیش از یک سال در سرزمین اسلام بماند، لازم است مالیات جزیه را به مقداری که امام مصلحت می‌داند، پردازد. ولی شیخ طوسی دلیلی برای لزوم پرداخت این مالیات ذکر نکرده است. وی در ادامه سخن خویش، به ذکر تعهداتی که باید اهل ذمه در برابر دولت اسلامی داشته باشند، پرداخته، می‌نویسد: این شرایط و تعهدات بر دو قسم است: یک دسته شرایطی است که باید آن را انجام دهند و دیگر اموری است که متعهد می‌شوند آن را ترک کنند. آنچه التزام بدان واجب است یکی پرداخت مالیات جزیه و دیگری تسلیم در برابر احکام اسلام است. اما آنچه را باید آن را ترک کنند بر سه قسم است:

۱. اموری که با عقد امان منافات دارد.

۲. اموری که به مسلمانان زیان می‌زند.

۳. اموری که از دیدگاه اسلام مصداق منکرات و اعمال زشت است.

آن‌گاه شیخ طوسی به تبیین این اقسام می‌پردازد و همکاری با دشمنان اسلام را مصداق قسم اول، و ایجاد مراکز عبادت و پرورش خوک و تولید شراب را مصداق قسم دوم، و ارتکاب زنا و قتل و سایر منکرات را مصداق قسم سوم دانسته است (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶ - ۵۰).

بر اساس فقه اسلامی، آنچه از شرایط مزبور باید در خصوص همه پناهندگان به کار گرفته شود، همین امور سه‌گانه است که شیخ طوسی آنها را به عنوان امور عدمی، یعنی اموری که اهل ذمه باید ملتزم به عدم ارتکاب آن باشند، آورده است، اما تن دادن به مجازات‌های اسلامی در غیر احوال شخصی را لازم ندانسته و پرداخت مالیات جزیه را نیز تنها در صورتی لازم دانسته که افراد مستأمن نخواهند در قلمرو اسلام کمتر از یک سال حضور داشته باشند. و چون پناهندگان در اصطلاح و در واقع امر، از هیچ‌یک از افراد یاد شده به‌شمار نمی‌آیند، قهراً لازم نیست به شرایطی جز ترک اموری که مصداق خیانت و انحراف اخلاقی و یا فساد اجتماعی است، ملتزم باشند. لازم به ذکر است که بسیاری از فقها پیمان ذمه و زندگی دایمی در سرزمین اسلام را به شرط پرداخت مالیات جزیه، برای همه افراد غیرمسلمان، اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب جایز دانسته‌اند.

نتیجه اینکه پناهندگان، چه از اهل کتاب باشند و چه از غیر اهل کتاب، تابع قوانین اسلام نیستند و قوانین مقبول خود آنان درباره‌شان اجرا می‌گردد. اما نسبت به پرداخت مالیات، اگر آنان را به حکم مستأمنان از کفار حربی بدانیم، در صورتی که بخواهند بیش از یک سال در قلمرو دولت اسلامی اقامت کنند، لازم است به میزانی که حاکم اسلامی صلاح می‌داند مالیات بپردازند. اما دیگر تعهدات پناهندگان، چیزی نیست جز آنچه همه ملل جهان به طور طبیعی، از هر کسی که بخواهد در قلمرو آنان زندگی کند، متوقع هستند. بنابراین، پناهندگان نمی‌توانند به نفع دیگران، علیه دولت میزبان جاسوسی کنند و یا با دشمنان این کشور همکاری داشته باشند و یا اعمالی که موجب اختلاف در نظام عمومی کشور است، انجام دهند. در غیر این صورت، دولت اسلامی می‌تواند آنها را از سرزمین خود اخراج کند.

### نتیجه‌گیری

حقوق پناهندگی در اسلام، با ارائه حمایت بیشینه به پناهجویان و پناهندگان اختیاری و اجباری و مهاجران می‌تواند منبع الهام‌بخشی در جهت توسعه حقوق بین‌الملل پناهندگی به‌شمار برود. با توجه به آیات متعدد قرآن کریم، از جمله آیه ۶ سوره توبه، روایات متعددی از پیامبر ﷺ و ائمه معصومین و سیره آن بزرگواران و نیز سیره خلفای اسلامی در حمایت از حقوق پناهندگان و پناهجویان، شاهد نوعی انسجام و اتفاق نظر در آراء فقها و حقوق‌دانان مسلمان هستیم در خصوص مشروعیت و قانونی بودن پناهندگی و لزوم دفاع از پناهندگان و به‌ویژه آنان که سابقه دشمنی و عداوت با مسلمانان را نداشته‌اند، هرچند در باب جزئیات اختلافاتی نیز مشاهده می‌شود.

حقوق پناهندگی در اسلام تحت کلیدواژه‌هایی همچون «عقد استیمان»، «امان»، «جوار»، و «هجرت» شناسایی می‌شود. در «عقد امان» الزامی به وجود منفعت نیست، بلکه در صورت عدم اضرار به جامعه اسلامی معتبر خواهد بود. همچنین از لحاظ بازه زمانی عقد پناهندگی، اقوال مختلفی ناظر بر چهار ماه، یک سال، ده سال یا عدم وجود محدودیت زمانی توسط فقها ذکر شده که به نظر می‌رسد با توجه به روایات و سنن، قول اخیر اعتبار بالاتری دارد. از جمله دیگر نکات اختلافی، عدم یا امکان جواز امان دادن جمعی از جانب آحاد مسلمانان است. با توجه به اینکه پناهندگی افراد مسلمان در دوران حکومت خلیفه الله و امام معصوم، کمتر فرض خارجی دارد، پناهندگی در دوران غیبت امام علیه السلام موضوعیت دارد که آن نیز از دو حال خارج نیست: یا در شرایطی است که حاکم اسلامی به صورت مشروع به قدرت سیاسی دست یافته و یا به صورت غیرمشروع - برای مثال، از طریق زور و غلبه - حکومت را به دست گرفته است. در حالت اول، حاکم اسلامی می‌تواند بنا به مصلحت جامعه اسلامی، دستور وجوب یا منع آن را به صورت دسته‌جمعی یا فردی صادر کند. در حالت دوم، منعی وجود ندارد بجز در مواردی که پناهندگی به دولت غیرمسلمان، موجب سرافکنندگی و خواری مسلمانان باشد و یا پناهنده در صورت پناهندگی نتواند از آزادی مذهبی و عمل به فرایض دینی، اعم از واجبات فردی و یا اجتماعی، برخوردار گردد که در این صورت، مسئله تعارض مصالح و مفاسد مطرح می‌گردد.

همچنین تکالیف و وظایف پناهندگان با وظایف مستأمنان و حتی وظایف اهل ذمه و اقلیت‌ها یکسان نخواهد بود؛ زیرا پناهنده کسی است که از ترس ظلم دیگران به دولت اسلامی پناهنده شده و قهراً مستحق حقوق ویژه‌ای است که اهل ذمه سزاوار آن نیستند. در این زمینه، دولت اسلامی می‌تواند به صورت ویژه، مقرراتی را مطرح کند و به تناسب موارد و شخصیت پناهندگان، قانوناً تکالیف یا معافیت‌هایی برای آنان وضع کند؛ مثلاً، عدم دریافت مالیات (جزیه) از پناهندگان به سبب نداشتن توانایی مالی. بنابراین، می‌توان گفت: شرایط اسلام در برابر پناهندگان مشابه همان شرایطی است که در کنوانسیون ژنو مطرح گردیده است؛ زیرا در این گونه موارد، مبنای وضع مقررات، سیره عقلا و عرف بین‌المللی است. با توجه به جمیع مباحث مطرح‌شده دال بر حمایت بیشینه از پناهندگان و پناهجویان و کثرت پناهندگان مسلمان، می‌توان حقوق پناهندگی اسلامی را سکویی برای الهام‌بخشی و ارتقای حقوق بین‌الملل پناهندگی کنونی قرار داد. این رویکرد هنجاری و منسجم به شکاف‌های به وجود آمده بر اثر توسعه گسترده حقوق پناهندگی خاتمه خواهد داد و حداقل حقوق بشری این گروه از انسان‌ها را تضمین خواهد کرد. مباحثی نظیر تمکین و احترام دولت‌ها و آحاد جامعه به پناهندگی فرد یا گروهی از افراد، که توسط یکی از اعضای جامعه امان داده شده‌اند، بسیار فراتر از حقوق بین‌الملل کنونی پناهندگی است.



## منابع

- آیتی، محمدابراهیم، ۱۳۵۳، *تاریخ پیامبر اسلام* ﷺ، تهران، دانشگاه تهران.
- ابن‌عابدین، محمدامین بن عمر، ۱۳۵۷، *حاشیه رد المختار علی الدر المختار*، بیروت، دارالفکر.
- ابن‌هشام، بی‌تا، *السیرة النبویة*، بیروت، دارالمعرفه.
- اشراق، محمدکریم، ۱۳۶۰، *تاریخ مقررات جنگ در اسلام*، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بخاری، محمدبن اسماعیل، بی‌تا، *صحیح بخاری*، بیروت، مکتبه الثقافیه.
- جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۰، *تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب*، تهران، دفتر خدمات حقوقی.
- جمیلی، رشید، ۱۹۷۲، *تاریخ العرب فی الجاهلیه و عصر الدعوة الاسلامیه*، بیروت، بی‌نا.
- حراغلی، محمدبن حسن، بی‌تا، *وسائل الشیعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حلی، حسن بن یوسف، بی‌تا، *تذکره الفقهاء*، قم، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البت ﷺ.
- سیدفاطمی، سیدمحمدقاری، ۱۳۷۴، «بررسی تطبیقی حقوق پناهندگی در فقه و اسناد بین‌المللی»، *نامه مفید*، ش ۱، ص ۱۵۵ - ۱۸۰.
- شافعی، محمدبن ادیس، ۱۳۶۹، *الأم*، بیروت، دارالفکر.
- طوسی، محمدبن حسن، بی‌تا، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران، المکتبه المرآتیه للاحیاء الآثار الجعفریه.
- عقیفی، محمدصادق، ۱۳۶۳، *الاسلام و العلاقات الدولیه*، مکه، مطبعة رابطة العالم الاسلامی.
- کاتب بغدادی، قدامه‌بن جعفر، ۱۳۷۰، *الخراج*، ترجمه حسین قره چانلو، تهران، البرز.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۹، *اصول کافی*، ترجمه جواد مصطفوی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی.
- محقق کرکی، علی‌بن حسین، ۱۴۱۴ق، *جامع المقاصد فی شرح التواعد*، قم، مؤسسه آل‌البت ﷺ لاحیاء التراث.
- مکی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی، بی‌تا، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم، داورى.
- موسوی خوئی، سیدهاشم، ۱۳۸۸، *قرارداد ذمه*، نمود صلح‌جویی پیامبر اعظم ﷺ در اسلام، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- موسوی‌زاده، ابراهیم و رزیتا کهریزی، ۱۳۹۳، *حقوق پناهندگی*، تهران، مجد.
- نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۲، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- Elmadmad, Khadija, 2008, "Asylum in Islam and in Modern Refugee Law", *Refugee Survey Quarterly*, No. 27, P 51 - 63.
- Fuldauer, Olivier. 1996, "Granting Refuge from Islam: The Canadian Refugee Determination Process and the Casualties of Islamic Policies", *Dalhousie J. Legal Stud*, No. 5, P 271.
- Moussalli, Michel, 1992, *Handbook on Procedures and Criteria for Determining Refugee Status under the 1951 Convention and the 1967 Protocol relating to the Status of Refugees*, Office of the United Nations High Commissioner for Refugees.
- Munir, Muhammad, 2011, "Refugee Law in Islam", *Journal of Social Sciences*, No.4, P 1 - 1۸.
- Qasmiyeh, Yousif M, 2011, "Refugee Status in Islam: Concepts of Protection in Islamic Tradition and International Law. By Arafat Madi Shoukri", *Journal of Refugee Studies*, No. 24, P 629 - 632.
- Rahaei, Saeid, 2009, "The Rights of Refugee Women and Children in Islam", *Forced Migration Review*, P 4 - 5.
- Seet, Matthew, 2013, "Can Islam and 'Islamization' Be a Force for Refugee Rights in Malaysia?", *Pacific Basin Law Journal*, No. 31, P 57 - 95.
- Shoukri, Arafat Madi, 2010, *Refugee Status in Islam: Concepts of Protection in Islamic Tradition and International Law*, Vol. 7, IB Tauris.
- Türk, Volker, 2008, "Reflections on Asylum and Islam", *Refugee Survey Quarterly*, No. 27, P ۷ - ۱۴.